فصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی
سال سیزدهم، بهار ۹۵، شماره ۴۴
صفحات ۱۲۴ ـ ۱۰۳

ISLAMIC REVOLUTION STUDIES
A Quarterly Scientific _ Research Journal
Vol. 13, Spring 2016, No 44

چارچوبی مفهومی در فهم و تطبیق گسترش ورامرزی انقلاب‌ها

مجید توسلی رکن‌آبادی*
سید عباس حسینی داورانی**

چکیده

از ویژگی‌های انقلاب‌های بزرگ که انقلابیون آن را تضمینی بر جهان‌شمولی انقلاب خود می‌دانند، «گسترش ورامرزی» آن است. این ویژگی انقلاب در ادبیات رایج جامعه‌شناسی سیاسی، تحت عنوان «صدور انقلاب» مفهوم‌سازی شده که در کنار آن، واژگانی چون «بازتاب انقلاب»، «اشاعه انقلاب» و «تأثیر انقلاب» نیز مورد استفاده قرار گرفته است. در میان آثار متعددی که در این حوزه به زبان‌های مختلف منتشر شده است، نمی‌توان یک الگوی جامع برای توصیف و تشریح «پراکنش انقلاب‌ها» را شناسایی کرد. از این‌رو نگارندگان از رهگذر ریشه‌شناسی واژگان این حوزه، در پی ارائه الگویی در فهم و تطبیق گسترش ورامرزی انقلاب‌ها هستند. این مقاله پیرامون این پرسش سازمان‌یافته است که برای گسترش و پراکنش انقلاب‌ها، چه مدلی می‌توان طراحی کرد، تا ضمن مشخص بودن مقدمات، فرایند، اجزا و گونه‌های پراکنش، بتوان چارچوبی برای تطبیق گسترش انقلاب‌ها فراهم کرد.

واژگان کلیدی

گسترش انقلاب، صدور انقلاب، بازتاب انقلاب، نفوذ انقلاب، الگوی عمومی، چارچوب تطبیقی.

طرح مسئله

یکی از ابعاد تحلیل انقلاب‌ها، فرایند گسترش آنها در خارج از مرزهاست. گسترش ورامرزی انقلاب‌ها یکی از

---

*. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. tavasoli@gmail.com
**. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران. abbasdavarani@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۷

ابعاد و نتایج انقلاب‌های بزرگی است که پیرامون خود و جهان را متأثر کردند. شکل‌گیری اردوگاه سوسیالیسم و ظهور آن در نیمی از اروپا و دیگر نقاط جهان، چیزی غیر از گسترش ورامرزی انقلاب اکتبر روسیه نبود. ظهور تفکیک قوا، حقوق شهروندی، نگارش قوانین اساسی در بخش اعظمی از اروپا از نتایج مسلم انقلاب کبیر فرانسه، به‌شمار می‌رود. مطالعه پیرامون این وجه از انقلاب‌ها سابقه‌ای به‌اندازه انقلاب‌ها دارد. اگرچه کمتر کتاب و اثر جامعی پیرامون آنها نوشته شده، اما مورد توجه نویسندگان زیادی در طول ۲۰۰ سال گذشته بوده است. ازجمله این مورخان آلبرت ماله[1] فرانسوی است که در سال‌های ابتدای قرن ۲۰ در آثارش به این مسئله اشاره کرده است.

براساس مطالعات اکتشافی انجام شده پیرامون مباحث تئوریک و موردی «گسترش ورامرزی» انقلاب‌های فرانسه، روسیه و ایران، می‌توان به این نکته پی برد که هیچ الگوی جامعی برای توصیف این فرایند یا وجود ندارد، یا به آن برخورد نکرده‌ایم. عمده آثار مربوطه، بیشتر توصیفی و ارائه روندهای تاریخی آن بدون پشتوانه‌های نظری است. برخی از آثار هم که به‌نوعی با محوریت نظریات، کار خود را پیش برده‌اند، به‌صورت ساده با در نظر گرفتن یک نظریه و بدون نشان دادن کاستی‌های آن، «صدور انقلاب» را بر مبنای آن پیش برده‌اند. از نویسندگانی که به‌طور مشخص پیرامون گسترش ورامرزی انقلاب‌ها و تطبیق آنها پرداخته، فرد هالیدی[2] (۱۹۹۹) در کتاب ***انقلاب و سیاست جهانی*** است. وی در این کتاب رویداد انقلاب و گسترش جهانی آنها را در زمینه سیاست جهانی بررسی می‌کند و صدور انقلاب را نمونه یک دیپلماسی انقلابی متصور می‌شود. اما وی نیز تحلیل‌های عمیقی را از صدور انقلاب ارائه نمی‌دهد و کار خود را با مثال‌های متعدد پیش می‌برد. فرناندو کلودین (۱۳۷۷) در کتاب ***از کمینترن تا کنیفرم*** به مباحث گسترش انقلاب روسیه با محوریت بین‌الملل سوم پرداخته است. لاپورت نورمن[3] و دیگران (۲۰۰۸) نیز در کتاب خود، که به‌صورت مجموعه مقالات تدوین شده است، به‌طور مشخص به استالینیزم و بین‌الملل سوم و تأثیرات آن بر کشورهای اروپایی می‌پردازد.

نوشته‌ها در مورد انقلاب ایران، به نسبت، بیشتر و جامع‌تر است. از این میان می‌توان به کتاب اسپوزیتو (۱۳۸۲) اشاره کرد که به بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران در قالب مجموعه مقالاتی از نویسندگان مختلف پرداخته است. عنوان این کتاب هرچند «بازتاب جهانی» است اما موارد مطالعه اسپوزیتو، مربوط به کشورهای منطقه از قبیل مصر، عراق، افغانستان و لیبی است. دهقانی فیروزآبادی و رادفر (۱۳۸۹)، تاجیک و دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۲)، فلاح‌نژاد (۱۳۸۴)، نوازنی (۱۳۸۸)، خلیلی و دیگران (۱۳۹۰) برزگر (۱۳۸۹)، محمدی (۱۳۸۵)، خرمشاد و همکاران (۱۳۹۰)، حشمت‌زاده (۱۳۸۶) از دیگر نویسندگانی هستند که در این

1. Albert Malet.
2. Fred Halliday.
3. LaPort Norman.

حوزه کار کرده‌اند، اما آثارشان فاقد یک الگوی عمومی و یا تطبیقی است. این آثار هیچ‌کدام حامل رویکرد تئوریک جامعی پیرامون گسترش انقلاب نیستند. به‌این‌ترتیب این نخستین مشکل در بررسی این وجه از انقلاب‌هاست، که می‌توان تلاش برای حل این مشکل را نخستین جنبه نوآوری این مقاله دانست.

دومین مشکل اساسی کارهای انجام‌شده، عدم تفکیک منطقی میان واژه‌ها، تعاریف و روندهای متفاوت Export، Reflex، Impact، Influence Diffusion, Effect است. تفکیک این مفاهیم، دومین جنبه نوآوری نگارندگان خواهد بود. سومین مشکل آثار موجود، عدم توجه میان ریشه‌های انقلاب و تأثیر بر گسترش ورامرزی است. مجموعه این سه مشکل ما را هدایت به طراحی الگویی کرد تا ضمن جامعیت، مرزهای معنایی واژگان مرتبط مشخص باشد، پروسه و پروژه بودن آن در الگو پیش‌بینی گردد، مبانی فکری انقلاب‌ها، به‌عنوان مهم‌ترین متغیر مستقل، در الگو شناسایی شود، تا درنهایت امکان توصیف و مقایسه گسترش ورامرزی انقلاب‌ها فراهم آید.

در این نوشتار، نگارندگان به بررسی انتقادی و ریشه‌شناختی (اتیمولوژیک) مفاهیم و ادبیات موجود در حوزه «گسترش ورامرزی انقلاب‌ها»، با بهره‌گیری از منابع مختلف کتابخانه‌ای به زبان‌های فارسی، انگلیسی و فرانسوی، دایرةالمعارف‌ها و فرهنگ‌های لغت، سایت‌های اینترنتی مرجع و مصاحبه با برخی از نویسندگان و پژوهشگران داخلی و خارجی می‌پردازند، تا با تجزیه و تحلیل مجموع داده‌ها، درنهایت بتوانند الگوی برساخته خود را ارائه دهند.

مفهوم و ریشه‌های «گسترش ورامرزی انقلاب»

مفاهیم پیرامون «گسترش ورامرزی انقلاب» ریشه در ماهیت انقلاب‌ها دارد که در بسیاری از تئوری‌های انقلاب نیز خود را نشان داده است. ایدئولوژی دولت‌های انقلابی دربردارنده مفاهیم جهان‌شمول قدرتمندی است که انقلابیون را بر آن می‌دارد تا مدعی کاربرد آرمان‌های انقلاب خود برای کشورهای دیگر شوند. ایدئولوژی‌های انقلابی به‌منظور جلب حمایت مردمی، معمولاً ایده‌های سیاسی جدید را به‌عنوان حقایق مسلّم ترسیم می‌کنند که باعث تمایل به سمت جهان‌گرایی می‌شود. (والت، ۱۳۸۷: ۲۱۰ ـ ۲۰۹) برخی نویسندگان، ازجمله برینتون (۱۳۹۰)، گسترش انقلاب را امری اجتناب‌ناپذیر می‌دانند، زیرا «انقلابیون در طول تاریخ کوشیده‌اند که اصول انقلاب خود را ترویج دهند. بنابراین، می‌توان این حکم کلی را صادر کرد که گویا گسترش جهانی انقلاب، پیامد طبیعی شور انقلابی است». (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۸۵)

هرچند انقلابیون در پی ترویج خود در خارج از مرزهایشان هستند، اما نمی‌توان گفت که هر انقلابی ترویج می‌یابد و دیگر کشورها را دستخوش تغییر قرار می‌دهد؛ زیرا مفهوم «صدور انقلاب» با توجّه به نوع انقلاب‌ها متفاوت است. انقلاب‌ها نظم بین‌المللی موجود را برهم می‌زنند، امّا همه انقلاب‌ها به‌صورت یکسان چنین تأثیری ندارند. «پیوند انقلاب و نظام بین‌الملل» پیوندی دوسویه است. از سویی انقلاب‌ها بر نظام بین‌المللی تأثیر می‌گذارند و از سوی دیگر نظام بین‌الملل بر انقلاب‌ها اثرگذار است. بدین معنا که انقلاب‌های

بزرگ، دگرگونی‌های عمده‌ای در توازن قدرت سیاسی در سطح بین‌المللی به وجود آوردند و در کنار این امر، دگرگونی‌های سیاسی در درون دولت‌ها نیز در سطح بین‌المللی بازتاب خود را داشته است. (بشیریه، ۱۳۸۴: ۱۷۶)

ترویج اصول انقلابی و نگاه انقلابیون به خارج از مرزهایشان، همواره در ذات همه انقلاب‌ها بوده و این مسئله مورد توجه تئوری‌پردازان انقلاب نیز قرار گرفته است. «تدا اسکاچپل» بر چگونگی روابط دولت‌های انقلابی با دیگر دولت‌ها از طریق حوزه‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی و فراهم کردن زمینه‌های موج انقلابی سخن می‌گوید. (Skocpol, 1979) «بارینگتون مور» با نگاه جامعه‌شناسی تاریخی، به تکرار انقلاب‌های صنعتی در کشورهای مختلف پرداخته است. (moore, 1966) «چالمرز جانسون» با بیان منابع تغییر در سیستم اجتماعی؛ منابع خارجی مانند انقلاب در دیگر کشورها و ورود ایدئولوژی‌های جدید را از عوامل تغییر در ارزش‌ها و محیط می‌داند. (Johnson, 1964) «کرین برینتون» نیز به ماهیت جهان‌شمول انقلاب‌های آمریکا، انگلیس، فرانسه و روسیه پرداخته است. (ر.ک: برینتون، ۱۳۹۰)

علاوه بر انعکاس «گسترش ورامرزی انقلاب» در تئوری‌های انقلاب، رویکردها و نظریات روابط و سیاست بین‌الملل نیز نسبت به انقلاب و تأثیر آن بر نظام و جامعه بین‌الملل بدون واکنش نبودند و هرکدام نگاهی متفاوت به انقلاب و ارتباطات آن به نظام بین‌الملل دارند. برای نمونه واقع‌گرایان انقلاب‌ها را سقوط ناگهانی نظم بین‌المللی می‌دانند و بر این باورند که اصول و اهداف انقلاب‌ها در تغییر در اولویت‌ها و جهت‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها دیده می‌شود که همراه با نارضایتی و تجدیدنظر است که باید نظام بین‌الملل به‌طور مناسب آن را مهار کند. (Halliday, 1990: 211) رفتارگرایانی مانند «جیمز روزنا» انقلاب‌ها را بخشی از شبح خشونت می‌دانند که مانند یک ویروس در ابعاد جهانی گسترش می‌یابد. اما این خشونت از نوع روانی است که امکان دارد با ظاهر غیرخشن آنها در تضاد باشد. برخلاف این دو رویکرد، ماتریالیسم تاریخی، انقلاب را مثبت می‌بیند و آن را دارای ابعاد بین‌المللی مؤثر می‌داند. (Ibid: 212)

شناسایی مفاهیم در ادبیات حاضر

برای توضیح «گسترش ورامرزی انقلاب» در متون علمی جهانی به‌ویژه انگلیسی و فرانسوی، عمدتاً واژه Impact مورد استفاده قرار گرفته است که برای نمونه می‌توان به آثار دویل[1] (۱۹۸۹)، آرونت[2] (۱۹۶۷) و اسپکتور[3] (۱۹۶۲) اشاره کرد. البته در کنار آن می‌توان واژه‌های Effect ازجمله در (Aerts & Crouzet, 1990)، Export ازجمله در (Halliday, 1999)، Diffusion ازجمله در (Weyland Reflex, 2009) و Influence را نیز شناسایی کرد که دامنه استفاده بسیار کمتری در مقایسه با Impact دارند. این در حالی است که در

1. Doyle.
2. Arnot.
3. Spector.

زبان فارسی، نویسندگان و مترجمان از دو واژه «صدور» ازجمله در آثار دهقانی فیروزآبادی و رادفر (۱۳۸۹)، تاجیک و دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۲)، فلاح نژاد (۱۳۸۴)، نوازنی (۱۳۸۸)، خلیلی و دیگران (۱۳۹۰) و «بازتاب» ازجمله در برزگر (۱۳۸۹)، محمدی (۱۳۸۵)، اسپوزیتو (۱۳۸۲) و خرمشاد و همکاران (۱۳۹۰) بیشترین استفاده را کرده‌اند. دلیل استعمال واژه «صدور»، بیشتر سخنان امام خمینی‌ﷺ و فرمایشات ایشان بوده است و دلیل استعمال واژه «بازتاب» ناشی از ترجمه‌ای است که از واژه Impact در زبان فارسی شده است.

وقتی آثار موجود به‌ویژه در زبان فارسی را مورد بررسی قرار می‌دهیم، درمی‌یابیم که در عمده آثار عموماً هیچ تفکیک و تعریفی از واژه‌های مورد استفاده وجود ندارد. اگرچه نمی‌توان آثاری که سعی در تفکیک میان واژه‌ها و مفاهیم داشته‌اند را فراموش کرد. محمدی (۱۳۸۵)، خلیلی و دیگران (۱۳۹۰) و خرمشاد و همکاران (۱۳۹۰) در آثارشان، سعی در تفکیک واژگان «صدور» و «بازتاب» و تاحدی تعریف آنها داشته‌اند؛ اما این تفکیک و تعریف‌ها، بدون هیچ مبنایی بوده و بار معنایی آنها مورد غفلت قرار گرفته است. خلیلی و دیگران (۱۳۹۰) شاید بیشترین حساسیت را برای این جداسازی، از خود نشان داده‌اند و علاوه بر «بازتاب» و «صدور» مفاهیم «امواج انقلابی» و «تأثیر» را نیز تفکیک کرده و به بررسی تطبیقی آن در انقلاب‌های روسیه و فرانسه پرداخته‌اند. اما مهم‌ترین نقد وارده به این تلاش درخور، فقدان مبنا و چارچوب، برای تفکیک میان واژگان بوده که همین نقد نیز به دیگر نویسندگان وارد است.

اما این تنها گریبان‌گیر آثار فارسی نیست. در زبان‌های فرانسوی و انگلیسی نیز این مشکل به چشم می‌خورد. نگارندگان این مقاله از پروفسور هامشر مونک[1] نویسنده کتاب *تأثیر انقلاب فرانسه*،[2] ویلیام دویل[3] نویسنده کتاب *تأثیر انقلاب فرانسه بر آگاهی اروپائیان*[4] و جان اسپوزیتو[5] نویسنده کتاب *تأثیرات جهانی انقلاب ایران*،[6] تفاوت‌های معنایی واژگان مورد بحث را مورد پرسش قرار دادند، اما پاسخ‌های ارائه شده از مبنای منطقی درستی پیروی نکرده و با قید «احتمالاً» میان واژگان Impact و Reflex تفاوت‌هایی قائل شدند. و برخی نیز ازجمله «سید حسین سیف‌زاده» عنوان کردند که از نظر تئوریک، تفاوتی میان این واژگان، وجود ندارد. ولی در مجموع و به نسبت آثار فارسی، کاربردهای مناسب‌تری از واژگان، در زبان انگلیسی مشاهده می‌شود.

پس در اینجا می‌توان چند مشکل را شناسایی کرد: ۱. عدم تفکیک میان واژگان؛ ۲. تفکیک و تعریف واژگان بدون در نظر گرفتن بار معنایی و فقدان مبنایی برای تفکیک. به این دو مورد، باید مشکل سومی را نیز افزود که ناشی از برگردان‌های گوناگون یک واژه به زبان فارسی است که در متون علمی نیز مورد

1. Iain Hampsher _ Monk.
2. The Impact of the French Revolution (2005).
3. William Doyle.
4. The impact of the French Revolution on European consciousness (1989).
5. John Esposito.
6. The Iranian revolution:Its Global Impact.

استفاده قرار گرفته است. برای نمونه در زبان فارسی از واژه Diffusion ترجمه‌های متفاوتی ازجمله پخش، اشاعه، گسترش، پراکندگی، نفوذ، انتشار و ریزش شده است که بدون در نظر گرفتن بار معنایی، در هر رشته علمی یکی از آنها مورد استفاده قرار گرفته است. در جغرافیای فرهنگی (شکویی، حسین، ۱۳۸۵؛ جردن و راونتری، ۱۳۸۰)، برگردان «پخش» به‌کار رفته است. در علم فیزیک «نفوذ» ترجمه شده است. در علم ارتباطات از واژه «اشاعه» استفاده شده است. یا حتی وقتی با رویکرد ریشه‌شناختی به ترجمه واژه Impact در زبان فارسی بنگریم متوجه می‌شویم برگردان آن، دقیق به نظر نمی‌رسد. برای نمونه می‌توان به برگردان فارسی کتاب اسپوزیتو یعنی «The Iranian Revolution: its Global Impact» اشاره کرد که «انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن» ترجمه شده است.[1] درصورتی‌که هم واژه بازتاب در زبان فارسی و هم واژه Impact در زبان لاتین، بار معنایی متفاوت از آنچه که نویسندگان فارسی‌زبان از آن استفاده کرده‌اند، دارد.

محمدی (۱۳۸۵: ۵۰۱) و خلیلی و دیگران (۱۳۹۰: ۴۹) به تفکیک دو واژه «صدور» و «بازتاب» پرداخته و اشاره کرده‌اند که صدور، سیاستی برنامه‌ریزی شده از سوی انقلابیون برای تأثیرگذاری در سایر جوامع است؛ درحالی‌که «بازتاب» به نتیجه و آثار به‌جای مانده در بیرون مرزهای کشور انقلابی بستگی دارد و لزوماً نمی‌تواند حاصل برنامه‌ریزی انقلابیون باشد. این تفکیک‌ها نه‌تنها بدون در نظر گرفتن بار معنایی است، بلکه دو واژه تأثیر و نتیجه را نیز به‌کار برده‌اند که خود معنای متفاوتی در حوزه «گسترش ورامرزی انقلاب‌ها» دارد. خرمشاد و همکاران (۱۳۹۰) نیز صرفاً برای مشخص کردن معنای «بازتاب» در اثر خود به تعریف آن پرداختند که آن نیز از منظر ریشه‌شناسی، نادرست و قابلیت تعمیم ندارد. مراد از «بازتاب» در اثر مذکور، این‌گونه شرح داده شده است: «بازتاب یعنی تأثیر هر انقلاب در خارج از مرزهای قلمروی که در آن صورت گرفته است.» (همان: ۱۸) خرمشاد در تعریف خود در این کتاب، توجهی به بار معنایی و ریشه‌شناسی آن نداشته و هیچ اشاره‌ای نیز به مثبت یا منفی بودن«بازتاب» نکرده است. با خوانش کتاب، این‌گونه القا می‌شود که «بازتاب» بار معنایی مثبت دارد. بهرام نوازنی (۱۳۸۸) نیز در کتاب خود، هیچ تعریف اختصاصی ارائه نمی‌دهد و به تعاریف مفهومی رایج در ادبیات این حوزه اکتفا می‌کند و علاوه بر این، او تفکیکی نیز بین «صدور» و دیگر مفاهیم ارائه نمی‌دهد. محمدباقر حشمت‌زاده (۱۳۸۶) در عنوان و پرسش اصلی کتاب خود به‌درستی از واژه «تأثیر» استفاده می‌کند، اما در متن، واژگان «صدور»، «بازتاب و تأثیر»، «نتایج» و «پیامد» را بدون ارائه تعریف مشخص از هرکدام و تفکیک میان آنها، به‌کار برده است.

البته به منابع متنوع و متعدد دیگری نیز می‌توان اشاره کرد که هیچ‌کدام به تفکیک ریشه‌شناختی واژگان مرتبط در حوزه «گسترش ورامرزی انقلاب‌ها» نپرداخته‌اند و مشکلات سه‌گانه مطرح شده در بالا را

---

۱. اگرچه با توجه به الگوها و نظریات «ترجمه»، ممکن است برگردان به فارسی این واژگان توجیه علمی و قابل قبولی داشته باشد، اما مطابق با رویکرد ریشه‌شناختی، ایراداتی به آن وارد خواهد بود.

برخوردارند. ولی در میان آثار مختلف می‌توان به مقاله خلیلی و حمیدی (۱۳۹۰) اشاره کرد که تلاشی درخور تأمل، در جهت بازسازی و تفسیر «صدور انقلاب» از رهگذر تحلیل گفتمان خبرگان قانون اساسی است. این مقاله تلاش دارد، تا با مشخص کردن ذهنیت نویسندگان و خبرگان قانون اساسی، مراد آنها از «صدور» و دیگر مفاهیم مرتبط را دریابد. نقطه قوت این مقاله، برخلاف دیگر مقاله خلیلی و دیگران (۱۳۹۰) ایجاد یک چارچوب و مبنا در جهت یافتن معناست.

الگوی برساخته «پراکنش انقلاب‌ها»

برای رسیدن به یک الگوی توصیفی و تطبیقی ابتدا باید به تفکیک واژگان و مفاهیم Export، Reflex، Impact، Influence Diffusion و Effect از رهگذر «ریشه‌شناسی» پرداخت و تعاریف تازه‌ای از این مفاهیم ارائه داد. سپس روندها و فرایندهای گسترش ورامرزی انقلاب را مشخص کرد و درنهایت به طراحی الگوی مورد نظر پرداخت. واژگان کلیدی الگوی توصیفی و تطبیقی این مقاله شامل «پیامد»، «پراکنش»، «صدور»، «بازتاب»، «نفوذ»، «پروسه» و «پروژه» است. به این‌گونه که «پراکنش» را در برابر «گسترش ورامرزی انقلاب» قرار داده‌ایم و «پروژه ابر پراکنش صدور»، «پروسه خرده پراکنش نفوذ»، و «پروژه بازتاب» را در ذیل «پراکنش» دسته‌بندی کرده‌ایم.

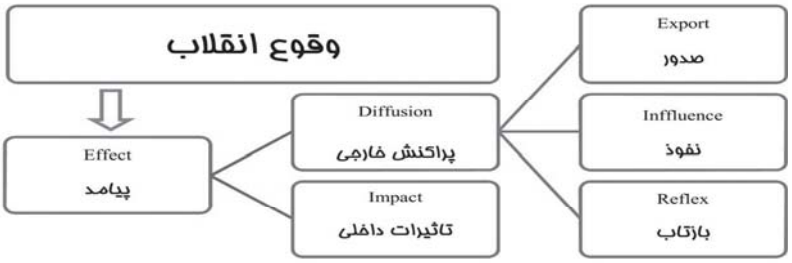

شکل ۱: گونه های گسترش ورامرزی انقلاب ها

۱. پیامدهای کلی انقلاب (Effect)

این واژه از ریشه لاتین effectus و مشتق شده از ex و Facere و به معنای انجام شدن یک کار است. (Simpson & Weiner,1991: 7 / 21) این واژه که در فرانسه قدیم efet و در فرانسه جدید effet به کار رفته، اشاره به نتیجه یک عمل دارد. (Larousse,1960: 4 / 371) کارآیی، تصور تولید شده در ذهن یک فرد، چیزی به دست آوردن از اتمام عمل، مدلول، معلول، حاصل از یک سبب، نتیجه یک عمل، تغییر حاصل از یک عمل، از مواردی است که در سیر معنایی این واژه می‌توان شناسایی کرد. (Ibid & www.etymonline.com) به نظر می‌آید بهترین برگردان برای این واژه «پیامد» باشد که تقریباً همه موارد فوق را دربر می‌گیرد. «پیامد» خنثی است و ناظر به مثبت یا منفی بودن نتیجه یک عمل نیست. این در

حالی است که عموماً در زبان فارسی بار معنایی «اثر و تأثیر» مثبت است. با توجه به ریشه‌شناسی این واژه، Effect به مفهوم هر پیامد یا برآیندی خواه مثبت، خواه منفی، داخلی یا خارجی، نرم یا سخت، آگاهانه یا ناآگاهانه است که انقلاب مسبب آن بوده است. «پیامد» یا Effect اصطلاحی کلی برای اشاره به هر پیامد و برآیند انقلاب‌هاست که دیگر واژگان در ذیل آن قرار می‌گیرد.

۲. پیامدهای داخلی انقلاب (Impact)

واژه Impact از ریشه لاتینی Impactus و به معنای اتصال همراه با فشار و زور دو چیز به یکدیگر است. (www.etymonline.com) اگر این معنا را برای فعل Impact بدانیم، معنای اسمی آن برخورد و ضربه است. از سال ۱۹۳۵ این واژه مجازاً به معنای تأثیرگذاری به کار رفته است. اما نکته قابل توجه در معنای مجازی این واژه این است که تأثیرگذاری ناشی از ضربه است و به همین دلیل، بیشتر برای تأثیرات رخدادهای طبیعی مانند زلزله، آتش‌فشان، سیل و غیره استفاده می‌شود. (Simpson & Weiner,1991, Vol:VII, P:695; Larousse,1960, Vol:6, P:67) اگر واژه Impact را نیز در بخش Trend موتور جستجوی Google بنویسیم، این را نشان می‌دهد که بیشترین کاربردی که از این واژه شده، مربوط به تأثیرات محیط زیستی مانند گرما و مسائل شبیه به آن است. به سخن دیگر هرگونه تأثیرگذاری را نمی‌توان در برابر Impact گذاشت. بلکه این تأثیر باید به خاطر برخورد، فشار و اصابت باشد. در فرهنگ آکسفورد نیز برای این واژه دو معنی بیان شده: یک اثر و یا نفوذ قابل ملاحظه؛ عملی که با اجبار بر شیئی ضربه وارد می‌کند. با توجه به این معانی هیچ‌گاه نمی‌شود چه به‌صورت مجازی و چه به‌صورت حقیقی، واژه بازتاب را در ترجمه آن به کار برد. (www.oxforddictionaries.com)

به‌این‌ترتیب، انقلاب‌ها خود اتفاقی بزرگ هستند که خروجی‌های آن همراه با ضربه و برخورد است. از این‌رو با توجه به عموم آثار نوشته شده در زبان‌های انگلیسی و فرانسوی (ازجمله هامسرمانک[1] ۲۰۰۵، اسکواب و جاننی[2] ۱۹۹۵)، که از Impact استفاده کرده‌اند، باید Impact را ناظر بر پیامدهای داخلی و درون‌مرزی یک انقلاب دانست، زیرا انقلاب حالتی ضربه‌گونه به جامعه داخلی دارد و تمامی امور، شئون و حوزه‌های یک جامعه متأثر از آن می‌شود. برای نمونه، وقتی انقلاب رخ می‌دهد، به‌سرعت هیئت حاکمه تغییر می‌کند، قانون اساسی بازنویسی می‌شود، ادبیات موجود در جامعه و ارزش‌های آن به‌شدت با تغییراتی همراه می‌شود. اما این تغییرات در عرصه ورامرزی به‌سرعت تغییرات داخلی نخواهد بود.

۳. پراکنش (Diffusion)

واژه Diffusion از ریشه لاتینی diffusionem به‌معنای گسترده شدن چیزی به‌طور وسیع است.

1. Hampsher _ Monk.
2. Schwab and Jeanneney.

(www.etymonline.com; Larousse, 1960: 4 / 84) سیمسن و واینر (1991: 4 / 645) صراحتاً گسترش چیزی در خارج از مرزهای یک کشور را به‌عنوان معنای این واژه بیان داشته‌اند. از این واژه ترجمه‌های متفاوتی در زبان فارسی شده است. اما فصیح‌ترین ترجمه‌ای که می‌توان از آن داشت «پراکنش» و یا «گسترش» است. این واژه بیشتر ناظر بر گسترش امری فرهنگی و فکری است.
(Op: Simpson & Weiner,1991; longman, 2007; Webster, 2008; Larousse 1960; www.etymonline.com)

انتشار، پخش، اشاعه و پراکندگی، واژگانی هستند که در فارسی، برابر با واژه Diffusion آمده است که هرکدام بار معنایی خاص خود را دارد و برای پرهیز از اشتباه، مصدر «پراکنش» را در برابر آن قرار داده‌ایم. پراکنش در علم فیزیک چنان‌که در فرهنگ آکسفورد آمده است، به‌معنای فرایند گسترش و تابش نور از یک منبع نوری است. این واژه در علوم زیست‌شناختی، به‌معنای حرکت پروتئین‌ها در عرض غشای سلول‌ها (Banks, 2005) به کار رفته است. همچنین این واژه در آب‌شناسی (Kosztołowicz, 2008)، جغرافیا و انسان‌شناسی نیز به چشم می‌خورد که به‌طورکلی در همه این علوم، «پراکنش» به‌معنای جابه‌جایی و حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر است. اما این حرکت گاه آرام و گاه سریع، گاه عادی و گاه غیرعادی است. در فیزیک «پراکنش» به دو دسته عادی و غیرعادی تقسیم می‌شود که نفوذ غیرعادی آن شامل «خرده پراکنش»[1] و «ابَر پراکنش»[2] است. خرده پراکنش حالتی است که در آن ذرات در مدت‌زمانی طولانی، فاصله بسیار کوتاهی را طی می‌کنند. این حالت بیشتر زمانی رخ می‌دهد که ذرات در درون تله‌ها یا حفره‌هایی گرفتارشده باشند. (Das, 2010) به بیانی ساده‌تر، خرده پراکنش، حالتی است که یک ایده یا رفتار، به دلایلی ازجمله فاصله زمانی، نداشتن مخاطب، عدم همسانی با فرهنگ دیگر مناطق، در طی زمان، قدرت حرکتی پایینی دارد و تأثیرات آن بسیار بلندمدت و آرام خواهد بود. اما در مقابل، «ابر پراکنش» حالتی است که طی آن ذرات در مدت‌زمان کوتاهی فاصله‌های طولانی را بدون تغییر جهت طی می‌کند. (Ibid) در این حالت طول و زمان هر دو دارای قدرت حرکتی بالایی هستند.

علاوه بر علوم طبیعی، این مفهوم از میانه‌های دهه ۱۹۵۰ در جغرافیا و در چارچوب مباحث مربوط به «پخش فضایی» مورد بحث و نظر قرار گرفت. پخش فضایی فرایندی است که توسط آن رفتار مردم یا ویژگی‌های چشم‌اندازها، در نتیجه آنچه قبلاً در مکانی به وجود آمده است تغییر می‌یابد. (Morrill, 1988: 7) پخش فضایی عبارت است از گسترش یک پدیده از کانون اصلی، در بین مردمی که آماده پذیرش آن پدیده هستند. این گسترش در طول زمان صورت می‌گیرد. (شکویی، ۱۳۸۵: ۳۰۱)

مفهوم پراکنش در جغرافیای فرهنگی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. مطالعه «پراکنش فرهنگی»

1. Sub _ diffusion.
2. Super _ diffusion.

منشأ و نحوه گسترش ایده‌ها و ابداعات در یک منطقه، مفهوم بسیار مهمی در جغرافیای فرهنگی تلقی می‌شود. (جردن و راونتری، ۱۳۸۰: ۲۵) یکی از موضوعات بسیار مهم مطرح شده در جغرافیای فرهنگی، چگونگی پراکنش است که جغرافی‌دانان براساس تحقیقات هاگراستراند دو نوع پراکنش را شناسایی کرده‌اند: پراکنش انبساطی[1] و پراکنش جابه‌جایی.[2] در پراکنش انبساطی، ایده‌ها در میان جمعیت از مکانی به مکان دیگر پخش می‌شود که خود بر سه گونه: سلسله‌مراتبی،[3] سرایتی[4] و انگیختار،[5] تقسیم می‌شود. در گونه سلسله‌مراتبی؛ افکار، از یک شخص مهم به دیگر افراد و یا از یک شهر مهم به دیگر شهرها گسترش می‌یابد. نوع سرایتی به گسترش عمومی افکار، بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب، اطلاق می‌شود و پراکنش انگیختار، به‌معنای دفع نمود عینی یک ایده به همراه حفظ بنیاد و زیرساخت‌های آن است. (ر.ک: همان) یکی از بهترین مثال‌ها برای «پراکنش انگیختار» انقلاب چین است. مائو الگوی انقلاب کمونیستی روسیه را رد کرد، ولی با مفهوم و ایدئولوژی انقلاب کمونیستی همراهی نمود و کوشید تا الگویی ویژه را ارائه دهد. می‌توان الهام گرفتن و ارائه الگویی بهتر را به‌عنوان تعریف «پراکنش انگیختار» بیان کرد. اما «پراکنش جابه‌جایی» شامل این فرایند است که افراد و گروه‌های دارای آراء، به‌طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و ابداعات و آراء نو را تبلیغ و گسترش دهند.

یکی از مواردی که در موفقیت یا عدم موفقیت پراکنش در جغرافیای فرهنگی به آن پرداخته‌شده است، فاصله زمانی و مکانی است که از آن به‌عنوان «کاهش زمان ـ مسافت» یاد شده است. جردن و راونتری مثال قابل توجهی را در این حوزه بیان کرده‌اند: وقتی سنگی را درون استخری می‌اندازیم و پخش آن را می‌بینیم، متوجه می‌شویم که دایره‌های ایجاد شده با دور شدن از نقطه اثر، ضعیف می‌شوند. به همین ترتیب میزان پذیرش نوآوری‌ها نیز، با افزایش مسافت کاهش می‌یابد. گذشت زمان نیز بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا با افزایش آن میزان پذیرش کاهش می‌یابد که این در ارتباط منطقی با مکان است؛ زیرا پراکنش نوآوری‌ها به خارج از نقطه مبدأ، مستلزم صرف زمان است. مکان دورتر و مسافت بیشتر نیز مستلزم زمان بیشتری است و این در تعداد پذیرندگان، تأثیر خواهد گذاشت. (ر.ک: همان: ۲۶)

پراکنش، که در جغرافیای فرهنگی بحث شده است، در علم ارتباطات نمود بیشتری دارد. اورت راجرز[6] نویسنده سرشناس علم ارتباطات، تئوری «پراکنش نوآوری»[7] را طرح و الگوی معروف خود را ارائه داد. این نوآوری‌ها شامل ایده‌ها، رفتارها، شرایط یا وسایلی هستند، که مخاطبان جدیدی را می‌یابند. تئوری «پراکنش

1. Expansion.
2. Relocation.
3. Hierarchical.
4. Contagious.
5. Stimulus.
6. Everett M. Rogers.
7. Diffusion of Innovations.

نوآوری» یک چارچوب عمومی را برای تشریح اینکه: «چگونه عقاید و آراء تـازه، گسـترش و بـا یـک جامعـه انطباق می‌یابند» فراهم می‌کند.

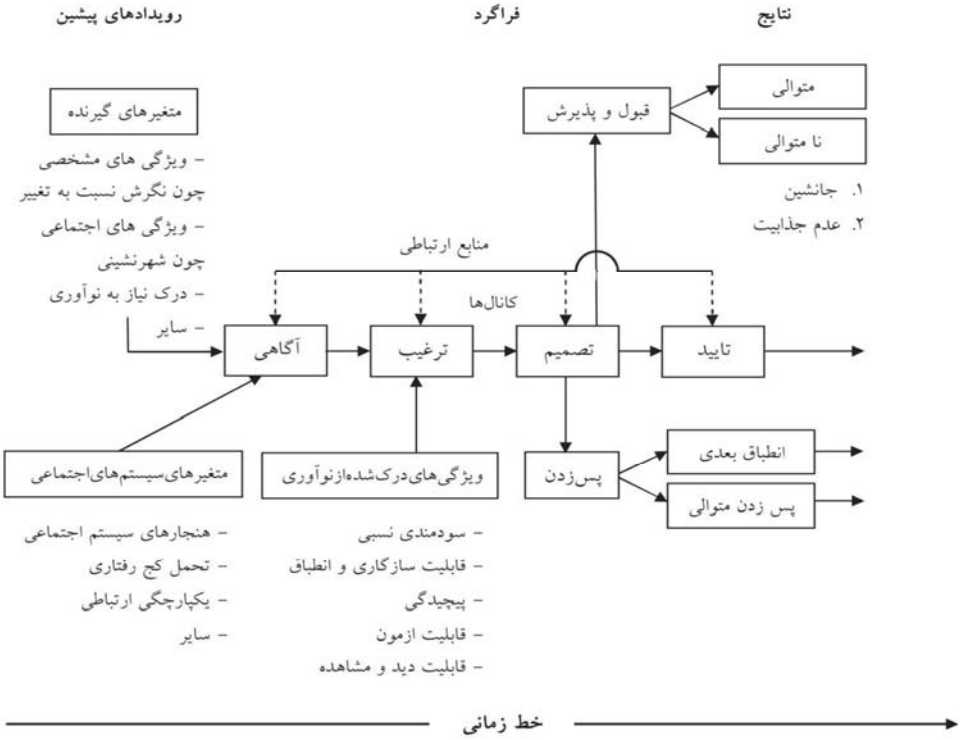

نمودار (۲): الگوی پراکنش نوآوری راجرز (منبع: Rogers, 1995)

الگوی راجرز (1983,ch5) برمبنای یک خط زمانی طراحی شده و پذیرش یک نـوآوری را در طـی یـک فرایند پنج مرحله‌ای شناسایی کرده است:

آگاهی:[1] در طی این مرحله، شهروندان یا واحدهای تصمیم‌گیرنده با نوآوری و عملکرد آن آشنا می‌شـوند. (Ibid:164)

ترغیب و متقاعد شدن:[2] در این مرحله نگرش‌های مثبت یا منفی در ذهن فرد یا واحدهای تصمیم‌گیرنـده شکل می‌گیرد. (Ibid: 169-171)

تصمیم:[3] در این مرحله افراد و یا واحدهای تصمیم‌گیرنده، تصمیم به پذیرش و یا عدم پذیرش آن نوآوری می‌کنند. (Ibid:172-173)

1. Knowledge.
2. Persuasion.
3. Decision.

۴. اجرا[1] و به‌کارگیری آن نوآوری. (Ibid:174)

تائید و تثبیت:[2] فرد و واحدهای تصمیم‌گیرنده، تصمیم خود را برای ادامه به‌کارگیری آن نوآوری و یا رد همیشگی آن اظهار می‌کنند. (Ibid:186-187)

۵. پروژه ابر پراکنش صدور

قبل از آنکه «پروژه ابر پراکنش صدور» را تشریح کنیم، لازم است ابتدا به ریشه‌شناسی واژه Export بپردازیم. این واژه از ریشه لاتینی exportare به معنای حمل کردن و به بیرون فرستادن گرفته شده (www.etymonline.com) و از دو بخش Ex به‌معنای «از» و Port به معنای «بندرگاه» تشکیل شده است. (Simpson & Weiner, 1991: 5 / 557) ناظر به خارج نمودن هرگونه کالا از بندر یک کشور به جایی دیگر است. این واژه به‌طور کامل ناظر بر امری فیزیکی و عینی است و نمی‌توان هیچ بار معنایی در جهت امر معنوی یا ذهنی برای آن قائل شد. به‌این‌ترتیب نمی‌توان Export را که واژه‌ای با بار معنایی تماماً مادی، فیزیکی و اقتصادی است، برای گسترش یک امری معنوی، ذهنی و غیرملموس مانند ایدئولوژی، تجارب و نمونه‌هایی مشابه به کار برد. به نظر نمی‌آید Export واژه‌ای اصیل در امر توضیح «گسترش ورامرزی انقلاب‌ها» باشد.

نگارندگان برای آزمون این فرض به کنکاشی در منابع و متون تئوریک و روزنامه‌ای، در جهت یافتن نخستین کاربرد Export در حوزه «گسترش ورامرزی انقلاب‌ها» پرداختند. با بررسی‌ها به این نتیجه رسیدیم که عمده متونی که ترکیب Export of revolution را مورد استفاده قرار داده‌اند، بعد از ۱۹۸۰ است و هیچ متنی ـ به‌جز چند مورد محدود ـ قبل از این تاریخ را نمی‌توان یافت که از واژه Export استفاده کرده باشد. در اینجا این فرضیه مطرح شد که Export ترجمه واژه صدور انقلاب امام خمینی‌ﷺ است. این فرضیه آنجا قوت گرفت که استفاده از این واژه بیشتر پیرامون تحلیل انقلاب اسلامی ایران به‌کاربرده شد. اما رفته رفته ترجمه واژه «صدور» در ادبیات جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب‌ها و روابط بین‌المللی انقلاب، مفهوم‌سازی و مورد استفاده قرار گرفت. طرح صدور انقلاب توسط امام خمینی و ترجمه و کاربرد آن در متون نظری و روزنامه‌ای، تا آن اندازه بود که نظریه‌پرداز سرشناسی چون «فرد هالیدی» در سال ۱۹۹۹ در کتاب *انقلاب و سیاست جهانی* برای توضیح گسترش ورامرزی انقلاب‌ها از Export of revolution استفاده کرده است. حتی بسیاری از رسانه‌های فرانسوی در دوره ریاست جمهوری مرسی، در تشریح نگرانی خود از ترویج الگوی اخوان المسلمین مصر در دیگر کشورهای عربی و آفریقایی از l'exportation de la révolution des Ikhwane استفاده کرده است. (ازجمله www.lorientlejour.com) به‌این‌ترتیب می‌توان این ادعا را کرد

1. Implementation.
2. Confirmation.

که ترکیب «صدور انقلاب» نخستین بار توسط امام خمینی‌ﷺ در ۲۲ بهمن ۱۳۵۸ به کار گرفته شد و پس از آن با ترجمه صحبت‌های ایشان، این ترکیب جای خود را در واژگان علوم سیاسی باز کرد.

اما در توضیح استعمال چند مورد محدود از اصطلاح Export of Revolution قبل از ۱۹۸۰ باید گفت که این کاربرد بیشتر در ادبیات مارکسیستی بوده و سه ویژگی داشته که با آنچه گفته شد متفاوت است. نخست: Export در معنایی سخت‌افزاری و تهاجمی که نزدیک به معنای اصلی واژه است به کار رفته، دوم: بر نفی و ضدیت با آن است و سوم: بسیار محدود بوده است. علاوه بر این باید به استفاده از این واژه در سخنان «روبسپیر» نیز اشاره کرد که اسلاوی ژیژک (۲۰۰۷) از زبان روبسپر واژه Export را به‌کار برده است که تاریخ نگارش کتاب ژیژک به سال ۲۰۰۷ است و ارجاعی به متن اصلی ندارد تا بتوان واژه‌ای که روبسپیر به‌کار برده را درک کرد. اما وقتی سخنان «روبسپیر» در «کلوب ژاکوبن‌ها» را بررسی می‌کنیم درمی‌یابیم که او مخالف شدید گسترش انقلاب به خارج از فرانسه بوده و همواره از واژه جنگ و فرستادگان مسلح استفاده کرده است. (Op: Robespierre, 1792)

اما با توجه به همه این موارد، به دلیل گسترش و استعمال بسیار صدور انقلاب، نمی‌توان این واژه را از ادبیات این حوزه حذف کرد. بلکه باید بر مبنای اتیمولوژی، تعریف، جایگاه و نوع حرکتی آن را در ادبیات «گسترش ورامرزی انقلاب» مشخص کرد.

«صدور» یکی از انواع «پراکنش» است که ناظر بر اقدام و سیاستی است که از طرف دست‌اندرکاران انقلاب، برای تأثیرگذاری در سایر کشورها، اتخاذ می‌شود. فرایند «صدور» به دلیل آنکه اقدامی برنامه‌ریزی شده است و نتایج مورد انتظاری را دنبال می‌کند، «پروژه» به‌شمار می‌رود. این پروژه از آنجا که در مدت‌زمان کوتاهی می‌تواند نتایج پرباری را به دست آورد، تحت عنوان «ابَر پراکنش» به‌شمار می‌رود. در «پروژه ابر پراکنش صدور» انقلابیون می‌خواهند پیام و رسالت بالقوه انقلاب خود را به حالت بالفعل درآورند. آنها در پی این هستند تا «روح کلی انقلاب را که در کشورشان تجسم یافته است، به حرکت درآورند و پیام‌ها و اهداف خود را در دیگر کشورها مجسم و علنی کنند». (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۹) در این پروژه، انقلابیون می‌خواهند قبل از گسترش طبیعی انقلابشان، خود به‌عنوان کارگزار گسترش شناخته شوند. این همان‌گونه پراکنش موجود در «پروژه صدور» است که از نوع «جابه‌جایی» خواهد بود. انقلابیون به پیامبرانی تبدیل می‌شوند که رسالت آنها گسترش جهانی آرمان دین جدیدشان خواهد بود. اما در تبلیغ این دین موانع بسیاری مانند فاصله، خواست و نیاز و مشخصه‌های فرهنگی و ارزشی کشور مقصد و موضع‌گیری منفی دیگر کشورها در مقابلشان قرار دارد.

«پروژه ابر پراکنش صدور» را می‌توان به دو گونه سخت و نرم تقسیم کرد. «قدرت» (سخت و نرم)، مفهوم محوری در «پروژه ابر پراکنش صدور» است. جوزف نای (۱۳۸۷: ۸۲ ـ ۳۵) قدرت را توانایی اعمال

نفوذ در رفتار دیگران برای دستیابی به برآیندهای دلخواه تعریف می‌کند و سه شیوه اعمال قدرت را متصور می‌شود: اعمال زور (چماق)، ترغیب (هویج) و مجذوب‌سازی که دو گزاره نخست را باید در چارچوب قدرت سخت بدانیم، اما مورد سوم همان قدرت نرم مورد نظر جوزف نای است. از این منظر قدرت نرم یعنی «ترغیب دیگران به ارج نهادن به شما به حدی که آنها رفتار خود را مطابق با میل شما تغییر دهند». (اسنو، ۱۳۹۰: ۲۲)

قدرت نرم از طریق تولید و توزیع آموزه‌ها، ارزش‌های خاص و جذاب، بنیان ارزشی و ارکان حمایتی کشور متخاصم را هدف قرار می‌دهد و آن را در راستای وضعیت مطلوب خویش تغییر می‌دهد. این‌گونه تغییرات معمولاً از زیرساخت‌ها و شبکه‌ها تولید و توزیع اندیشه‌ها و هنجارها، خصوصاً حوزه‌های آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای از رهگذر اشکالی چون دیپلماسی عمومی، دیپلماسی فرهنگی، رسانه‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای، فیلم‌های سینمایی و مواردی از این قبیل آغاز می‌شود. در قدرت نرم، برخلاف قدرت سخت، مخاطب نه از روی اجبار، بلکه با رضایت‌مندی، تن به قدرت جدید می‌دهد و خواسته‌های قدرتمند را اجابت و اجرا می‌کند.

اما روی دیگر صدور، صدور سخت است و به‌رغم منسوخ شدن آن در دوره کنونی، اما برای تحلیل صدور انقلاب در گذر تاریخ ضرورت دارد. صدور سخت، به‌طور سنتی مهم‌ترین شکل صدور انقلاب به‌شمار می‌رود. به‌طوری‌که می‌توان گفت «پروژه ابر پراکنش صدور» همواره با یک جنگ همراه بوده است؛ زیرا صدور گسترشی آگاهانه و سخت‌افزاری از مبدأ به‌شمار می‌رفته که از سوی انقلابیون طراحی و انجام می‌شد. ولی نمی‌توان برآیند قابل قبولی از آن را برای دولت انقلابی تصور کرد. زیرا علاوه بر تحلیل توان و مشروعیت دولت انقلابی، نمی‌تواند اذهان دیگر کشورها را آن‌چنان‌که انقلابیون برآورد می‌کنند، تسخیر کند. روبسپیر (۱۷۹۲) از رهبران مخالف صدور انقلاب فرانسه، در سخنرانی معروف خود در «کلوب ژاکوبن‌ها» گفته است:

> نامعقول‌ترین اندیشه‌ای که می‌تواند در ذهن یک متفکّر سیاسی به وجود آید، این است که باور کند با اسلحه میان مردمی بیگانه برود و انتظار داشته باشد که قانون اساسی و سایر قوانینشان از سوی آن مردم پذیرفته شود. هیچ‌کسی از فرستادگان مسلح خوشش نمی‌آید. اولین درس طبیعت و احتیاط این است که آنها را به‌عنوان دشمن بیرون رانند.

اما در این میان دو امر «هدف دولت انقلابی» و «هدف دیگر دولت‌ها» را از جنگ باید با یکدیگر بررسی نمود تا بتوان تصویر قانع‌کننده‌تری از جنگ‌های انقلابی و صدور انقلاب ارائه داد.

تاریخ نشان داده است که انقلاب‌ها گرایش بسیاری به منازعه با دیگر کشورها دارند (هرچند موفق نشوند و هیچ جنگ تهاجمی از سوی دولت انقلابی صورت نگیرد) و همان‌گونه که گفته شد، دلیل اصلی این گرایش، ایدئولوژی انقلابی است. اما به‌صورت جزئی‌تر می‌توان دلایلی برشمرد که دولت‌های انقلابی را مستعد ورود به کشمکش با کشورهای دیگر می‌کند.

دولت انقلابی در مراوده با دیگر کشورها بی‌تجربه است، اطمینانی به نیات آنها ندارد و با تکیه بر

ایدئولوژی خود مخالفان خود را به‌عنوان دشمن تلقی می‌کند. بر این اساس، سازش همراه با سوءظن است؛ زیرا که منازعه اجتناب‌ناپذیر و مصالحه، ساده‌لوحانه به‌شمار می‌رود. (والت، ۱۳۸۵: ۲۱۰)

دلیل دوم بیشتر ناشی از روابط دولت پیشین با کشورهاست که براساس آن دولت جدید قدرت‌های خارجی نزدیک به رژیم پیشین را مسئول اشتباهات و خطاهای آن می‌داند و رابطه‌ای محتاطانه توأم با نگرانی با آنها دارد. برای نمونه نقش آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد، احتمال دخالت ایالات متحده برای نابود کردن انقلاب اسلامی را روزافزون کرد و اشغال سفارت آمریکا در نوامبر ۱۹۷۹ نیز در همین راستا بود. همچنین سوءظن‌های مائو در مورد آمریکا تا حد بسیار زیادی محصول دخالت گذشته غربی‌ها در چین بود.

دلیل سوم را باید بزرگنمایی نخبگان دانست که آنها تهدید خارجی را به‌منظور بهبود موقعیت داخلی غنیمت می‌دانند و سعی در استفاده از آن در جهت افزایش ملی‌گرایی و تثبیت موقعیت خود دارند. این بزرگ‌نمایی زمانی بیشتر می‌شود که آن قدرت خارجی، متحد رژیم پیشین باشد یا به‌وضوح علیه انقلاب موضع گرفته باشد. (همان: ۲۱۱) البته به این مورد می‌توان حمایت دولت خارجی از ضد انقلاب یا پناه دادن به مخالفان رژیم انقلابی را نیز افزود که برای نمونه می‌توان به حمایت دول اروپایی از «کوبلنزی‌ها»[1] در جریان انقلاب فرانسه اشاره کرد.

خوش‌بینی ذاتی ایدئولوژی‌های انقلابی باعث می‌شود تا دولت انقلابی توانایی‌های نظامی خود را بیش از اندازه برآورد کند و هرگونه به چالش کشیدن آن قدرت را برابر با مخالفت با انقلاب، شبهه‌افکنی و بی‌اعتمادی به انقلاب تلقی کند. (همان: ۲۱۲) مخالفت با این برآوردها مستعد برچسب‌زنی‌های گسترده از سوی افراطیون و یا هواداران پروپاقرص انقلاب‌هاست. جهان‌گرایی انقلاب‌ها مورد دیگری را هم به همراه دارد و آن خوش‌بینی دولت‌های انقلابی بر این اعتقاد است که شهروندان دیگر کشورها به حمایت از آنها به پا خواهند خواست. درحالی‌که مخالفانشان فاقد حمایت‌های مردمی گسترده هستند. اما از طرف دیگر باید به دلایل و نیات تمایل کشورهای خارجی برای مقابله با رژیم انقلابی نیز اشاره کرد که این بحث در ذیل پروژه بازتاب مورد بحث قرار می‌گیرد.

اگر پروژه ابر پراکنش صدور را به‌عنوان یک متغیر وابسته تعریف کنیم، بی‌تردید متغیرهای مستقل مهم و قابل‌تأملی را می‌توان برای آن شناسایی کرد. این متغیرها می‌توانند شامل ریشه‌های فکری و ایدئولوژیک انقلاب‌ها چون اسلام در انقلاب اسلامی ایران، مارکسیسم در انقلاب روسیه و لیبرالیسم در انقلاب‌های انگلستان و فرانسه، نیازهای داخلی دولت انقلابی و وحدت داخلی و نیز دیدگاه رهبران و کارگزاران انقلابی باشد.

۶. پروسه خرده پراکنش نفوذ

واژه Influence از ریشه لاتینی In.fluere و in.fluentem به معنای جریان و نفوذ است. این واژه تا

---

۱. فرانسویان ضد انقلاب که در خارج از فرانسه زندگی می‌کردند.

قرن ۱۴ بیشتر یک اصطلاح نجومی بود و مراد از آن تأثیر اجرام آسمانی ستاره و خورشید بر زمین بوده است. این واژه در زبان فرانسه قدیم بیشتر به‌معنای تابش ستاره‌ها و تأثیر بر عمل و سرنوشت فرد معنی می‌داد. این همان سعد و نحس ستارگان و اجرام آسمانی در زبان فارسی است. این واژه در قرن ۱۵ به‌معنای اعمال نفوذ پنهان بر افراد نیز به کار رفته است. در زبان‌شناسی جدید Influence مجازاً به معنای اثربخشی‌های آرام، بلندمدت، ناخودآگاه و ناآگاهانه و پیش‌بینی‌ناپذیر است و بار معنایی آن نیز حول محور امر ذهنی و غیرملموس می‌چرخد. (www.etymonline.com; Simpson and Weiner,1991: 7 / 940; Larousse,1960: 6 / 153)

نفوذ انقلاب به نتیجه و آثار به‌جای مانده در بیرون مرزهای کشور بستگی دارد و لزوماً نمی‌تواند برآیند برنامه‌ریزی و اعمال سیاست‌های اتخاذ شده از سوی انقلابیون باشد. نفوذ عمدتاً بر اثر مشاهدات و وجود روابط میان جامعه انقلابی و جوامع دیگر است و آثار مهمی بر جای می‌گذارد که نه‌تنها برای آن برنامه‌ریزی نشده، بلکه پیش‌بینی هم نمی‌شده است. از این‌رو نفوذ، یک پروسه به‌شمار می‌رود و این پروسه از آنجا که ممکن است در مدت‌زمانی طولانی و آن هم بر کشورهای هم‌جوار و یا کشورهایی که از نظر فرهنگی و اجتماعی با کشور انقلابی نزدیکی دارند عمل کند، «خرده پراکنش» به‌شمار می‌رود. خرده پراکنش در حالتی رخ می‌دهد که اصول، ارزش‌ها و آرمان‌های انقلابی در کشور مقصد به‌مرور مورد توجه قرار گیرد. این توجه خودش را در متغیرهای مستقلی نشان می‌دهد که شامل ۵ گام پراکنش در نظریه راجرز است که با قرار گرفتن آنها در بافتار انقلاب، می‌توان آنها را متأثر از ریشه‌های انقلاب دانست. علاوه بر این ۵ متغیر، دو متغیر فاصله زمانی و مکانی که ملهم از نظریه «پراکنش فرهنگی» است نیز باید به آن افزود. شیوه پراکنش در این پروسه را براساس یافته‌های تحقیقی در جغرافیای فرهنگی، می‌توان به دو صورت سرایتی و انگیختار دانست. موفقیت هردوی این پروژه و پروسه مرهون پذیرش آن در کشور مقصد است و این عاملی احتمالی در شکل‌گیری امواج انقلابی است.

۷. پروژه بازتاب (Reflex)

واژه Reflex از ریشه لاتینی reflexus و به‌معنای خم شدن به عقب است (www.etymonline.com) و در سیر معنایی خود به تحریک غیرارادی، پاسخ بدون تفکر آگاهانه به یک محرک و توانایی فرد برای پاسخ سریع است. (OP: Larousse,1960: 6/ 67; Simpson and Weiner,1991: 8 / 475) با توجه به رویکرد ریشه‌شناختی، به نظر می‌آید رساترین ترجمه این واژه به فارسی «بازتاب» باشد؛ زیرا هردوی این واژگان ناظر به یک واکنش هستند. این واکنش الزاماً مثبت و منفی نیست. اما بار معنایی آن پاسخ دادن و واکنش در برابر یک عمل، و نه تائید و همراهی با آن است. از این‌رو هرگونه واکنش‌ها علیه یک انقلاب اعم از فعالیت‌های ضدانقلاب، مخالفت‌ورزی‌ها، تحمیل جنگ، تلاش برای انزوای دولت انقلابی و مواردی از این دست را باید در ذیل بازتاب انقلاب تعریف کرد.

چرچیل پس از پیروزی بلشویک‌ها، با این توصیف که: «روسیه حامل یک بیماری مسری است ... کشوری با

انبوه حشرات مسلح که نه‌تنها با نیزه و توپ ضربه می‌زنند، بلکه انبوهی از حشرات حامل تیفوس نیز همراه آنهاست» (Fiddick,1990: 5-4) دخالت دولت‌های غربی علیه روسیه را توجیه کرد. ترس‌های مشابهی نیز پس از انقلاب‌های چین، کوبا و ایران به وجود آمد. دیگر دولت‌ها به‌واسطه جهان‌گرایی ایدئولوژی‌های انقلابی، از ائتلاف میان دولت‌های انقلابی به‌شدت بیمناک بودند. رشد مک کارتیسم در ایالات متحده ۱۹۵۰ یکی از نمونه‌های هراس است که هرچه رنگ‌وبوی سرخ‌گونه داشت، از میان می‌رفت. گرایش به بزرگنمایی، تهدیدات صادره از یک رژیم انقلابی و نیز بزرگنمایی آسیب‌پذیری این رژیم در مقابل فشارهای خارجی به‌وسیله شهادت پناهندگان منفعت‌طلب و (مخالفان داخلی رژیم انقلابی) تشدید می‌شود. (والت، ۱۳۸۵: ۲۱۶) زیرا این مخالفان، دولت انقلابی را غیرمردمی و آسیب‌پذیر می‌دانند. از این‌رو بود که ریگان مخالفان انقلاب نیکاراگوئه را که «هم‌پایه اخلاقی پدران بنیان گذرا» یاد می‌کرد، به‌عنوان نمایندگان قانونی مردم معرفی نمود که خواهان سرنگونی حکومتی هستند که به گفته توماس جفرسون حق برکناری او را دارند. (کالورت، ۱۳۸۳: ۳۴) مخالفان جمهوری اسلامی نیز عدم محبوبیت امام خمینی‌ﷺ را بزرگ کرده و حکومت انقلابی ایران را فاقد محبوبیت مردمی و ازهم‌گسیختگی نظامی دانستند و تجاوز عراق به ایران را تشویق نمودند. علاوه بر جنگ تحمیلی باید مواردی مانند تشکیل شورای همکاری خلیج‌فارس، رشد گروه‌های تروریستی، بنیادگرایی اسلامی، تحریم‌های بین‌المللی را گوشه‌ای از بازتاب انقلاب اسلامی ایران دانست که تحلیل آنها خود بحث مفصلی است.

شکل (۳)، الگوی برساخته پراکنش انقلاب‌ها با در نظر گرفتن شرایط توصیف و تطبیق گسترش ورامرزی انقلاب‌ها را نشان می‌دهد.

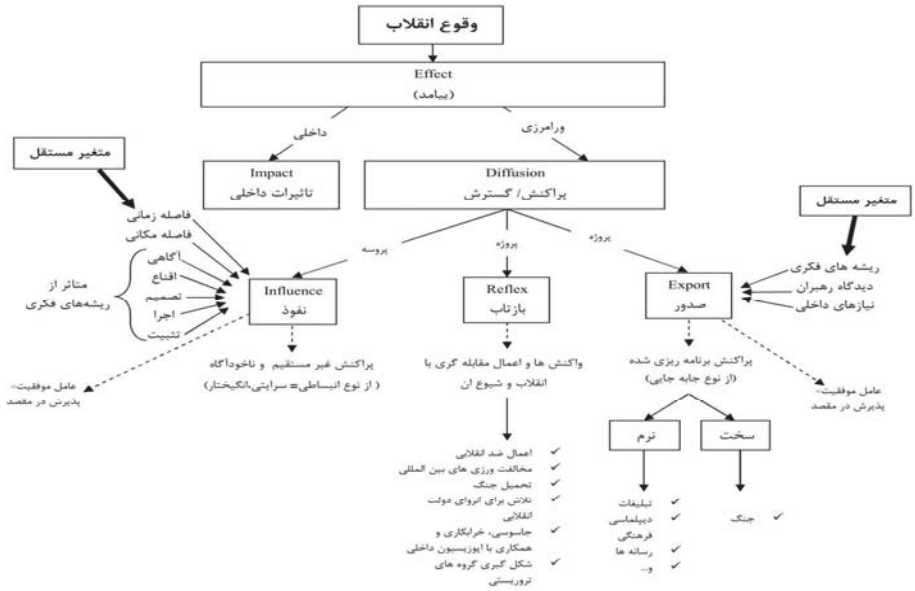

شکل (۳): الگوی برساخته پراکنش انقلاب‌ها

نتیجه

همه انقلاب‌ها تمایل به گسترش دارند. از این‌رو می‌توان به طراحی الگویی پرداخت تا از رهگذر آن بتوان «گسترش ورامرزی انقلاب‌ها» را تشریح و مقایسه کرد. طراحی این الگو، دستور کار این پژوهش بود. در هر علم و نظام تحلیلی تا زمانی که عناصر تشکیل‌دهنده آن، جنبه‌های نوآورانه و کاستی‌های پیشین، روشن و واضح نباشد، ارائه الگو، تئوری و تحلیل‌های توصیفی و تجویزی خالی از اشکال نخواهد بود و مسیر روشنی را ترسیم نخواهد کرد. نگارندگان با در نظر گرفتن مشکلات سه‌گانه کتاب‌ها و مقالات نگارش یافته در این حوزه یعنی: فقدان رویکرد تئوریک جامع پیرامون گسترش انقلاب‌ها، عدم تفکیک میان واژه‌ها و تعاریف و روندهای متفاوت و عدم توجه میان ریشه‌های انقلاب و تأثیر بر گسترش ورامرزی آن، به طراحی و ارائه الگویی برای بررسی و مقایسه گسترش ورامرزی انقلاب‌ها پرداختند. الگوی طراحی‌شده در این مقاله به ما نشان می‌دهد که برای مقایسه تطبیقی میان گسترش ورامرزی انقلاب‌ها، ابتدا باید صدور، نفوذ و بازتاب آن را مشخص کرد. سپس با بررسی ریشه‌های فکری انقلاب‌ها، دیدگاه رهبران، نیازهای داخلی، فاصله زمانی و مکانی و دیگر موارد گفته شده، امکان مقایسه و تشریح گسترش ورامرزی انقلاب را فراهم کند.

منابع و مآخذ

۱. اسپوزیتو، جان، ۱۳۸۲، ***انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن***، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران، باز.

۲. اسنو، نانسی، ۱۳۹۱، ***بازاندیشی در دیپلماسی عموم***، ترجمه روح‌الله طالبی آرانی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ص ٤٤ ـ ۲۱.

۳. بشیریه، حسین، ۱۳۸٤، ***انقلاب و بسیج سیاسی***، تهران، دانشگاه تهران، چ ٦.

٤. بوتول، گاستون، ۱۳٤۸، «ناپلئون؛خداوند جنگ»، ترجمه عبدالحسین نیک گوهر، ***نامه علوم اجتماعی***، ش ۳، دوره قدیم، ص ۱۸۰ ـ ۱۷٦.

۵. برینتون، کرین، ۱۳۹۰، ***کالبدشکافی چهار انقلاب***، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، زریاب، چ ۹.

٦. برزگر، ابراهیم، ۱۳۹۱، ***نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران***، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

۷. پالمر، رابرت روزول، ۱۳٤۹، ***تاریخ جهان نو***، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران، امیرکبیر.

۸. پانوف، میشل و میشل بدن، ۱۳٦۸، ***فرهنگ مردم‌شناسی***، ترجمه اصغر عسکری خانقاه، تهران، ویس.

۹. تاجیک، محمدرضا و سید جلال دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲، ***الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران***، راهبرد، ش ۲۷، ص ۸۰ ـ ٦۱.

۱۰. جردن، تری ج و لستر راونتری، ۱۳۸۰، مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

۱۱. حشمت‌زاده، محمدباقر، ۱۳۸٦، ***تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی***، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۲.

۱۲. خلیلی، محسن و دیگران، ۱۳۹۰، ***مقایسه مفهوم صدور انقلاب در انقلاب‌های فرانسه و روسیه***، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س۲، ش ۱، ص ۷۱ ـ ٤۷.

۱۳. خلیلی، محسن و سمیه حمیدی، ۱۳۹۰، «تحلیل گفتمان مفهوم صدور انقلاب از منظر خبرگان قانون اساسی»، ***فصلنامه رهیافت‌های بین‌المللی***، ش ۲۷، ص ۱۱۸ ـ ۸۱.

۱٤. خرمشاد، محمدباقر و همکاران، ۱۳۹۰، ***بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران***، تهران، سمت.

۱۵. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و فیروزه رادفر، ۱۳۸۹، ***الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران***، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

۱٦. روده، جرج، ۱۳۸۰، ***انقلاب کبیر فرانسه و پیامدهای جهانی آن***، ترجمه مجید امین مؤید، تهران، اشاره.

۱۷. رزکین، مایکل و دیگران، ۱۳۹۲، ***شالوده‌شناسی علم سیاست***، ترجمه سید حسین اطهری و دیگران، تهران، سفیر اندیشه.

۱۸. شکویی، حسین، ۱۳۸۵، ***اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا***، تهران، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، چ ۸.

۱۹. فلاح نژاد، علی، ۱۳۸٤، ***سیاست صدور انقلاب اسلامی***، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲۰. کالورت، پیتر، ۱۳۸۳، ***انقلاب و ضدانقلاب***، ترجمه سعید قانعی، تهران، آشیان.

۲۱. کلودین، فرناندو، ۱۳۷۷، ***از کمینترم تا کمینفرم***، ترجمه فرشیده میربغدادآبادی، شاپور اعتماد و هایده سناوندی، تهران، خوارزمی.

۲۲. ماله، آلبر و ژول ایزاک، ۱۳٦۳، ***تاریخ قرن هجدهم و انقلاب کبیرفرانسه و امپراتوری ناپلئون***، ترجمه رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب.

۲۳. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۵، ***بازتاب جهانی انقلاب اسلامی***، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲٤. نای، جوزف، ۱۳۸۷، ***قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل***، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، چ ۲.

۲۵. نقیب‌زاده، احمد، ۱۳۹۱، ***تاریخ دیپلماسی وروابط بین‌الملل***، تهران، قومس، چ ۱۲.

۲۶. نوازنی، بهرام، ۱۳۸۸، ***صدور انقلاب اسلامی: زمینه‌ها و پیامدهای بین المللی آن***، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

۲۷. والت، استفن، ۱۳۸۷، ***انقلاب و جنگ***، جک گلدستون (ویراستار)، مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، کویر، چ ۲.

28. Aerts Erik and François Crouzet, 1990, ***Economic effects of the French Revolutionary and Napoleonic Wars***, Leuven University Press.
29. Arnot, Robert Page, 1967, ***The Impact of the Russian Revolution in Britain***, the University of Michigan, Lawrence & Wishart.
30. Banks, Daniel and Cécile Fradin, 2005, "Anomalous Diffusion of Proteins Due to Molecular Crowding", ***Biophysical Journal***, Vol 89, Issue 5.
31. Das, Jhuma and etc, 2010 , "***Sub _ Diffusion and Super _ Diffusion of Hydration Water Molecules at Biological***.
32. Doyle, William, 1989, ***The impact of the French Revolution on European consciousness***, Sutton.
33. Interfaces" ***Biophysical Journalm***, Vol 98, Issue 3, Supplement 1.
34. Ferraro, Gary P, 1997, ***The Cultural Dimension of International Business***, Prentice Hall College.
35. Fiddick, Thomas, 1990, ***Russia's Retreat from Poland***, 1920: From Permanent Revolution to Peaceful Coexistence , Palgrave Macmillan
36. Gail M. Schwab, John R. Jeanneney, 1995, ***The French Revolution of 1789 and Its Impact***, Greenwood Publishing Group.
37. Halliday, Fred, 1990, ***'The sixth great power': on the study of revolution and international relations***, Review of international studies, 16 (3), p. 207 _ 221.
38. Halliday, Fred, 1999, ***Revolution and World Politics: The Rise and Fall of the Sixth Great Power***, Duke University Press Books.
39. Hampsher _ Monk, Iain, 2005, ***The Impact of the French Revolutio***n, Cambridge University Press.
40. Johnson, chalmers, 1964, ***revolution and the social system***, Hoover Institution Press.
41. Kosztołowicz, Tadeusz , 2008, "Subdiffusion in a system with a thick membrane", ***Journal of Membrane Science***, Vol 320, Issues 1 _ 2, P 492 _ 499.
42. LaPort Norman , Kevin Morgan and Matthew Worley, 2008, ***Bolshevism***, Stalinism and the Comintern, PALGRAVE MACMILLAN.
43. Larousse, 2011, ***Larousse Concise French _ English/English _ French Dictionary***, Larousse Bilingual.
44. Larousse, 1960, ***Grand Larousse encyclopedique en dix volumes***, Librarie Larousse.
45. Longman, 2007, ***Longman advanced American dictionary***, Pearson Education.
46. Moore ,Barrington, 1966, ***Social Origins of Dictatorship and Democracy: Lord and Peasant in the Making of the Modern World***, Beacon Press, Boston.
47. massin , Jean, 1957, ***Robespierre***, Club français du livre.
48. Morrill,Richard ,gary gaile and grant thrall, 1988, ***Spatial Diffusion***, SAGE.
49. Norman ,LaPort, Kevin Morgan and Matthew Worley, 2008, ***Bolshevism***, Stalinism and the Comintern, PALGRAVE MACMILLAN.

50. Robespierre ,Maximilien, 1792 , ***Sur la guerre (1ere intervention)***, a speech to the Jacobin Club.
51. Rogers, Everett M, 1983, ***Diffusion of innovations (3th ed.)***, New York: Free Press.
52. Robinson, Les, 2009, "***A summary of Diffusion of Innovations***", in http://www.enablingchange.com.au/Summary_Diffusion_Theory.pdf
53. Schwab ,Gail M. and John R. Jeanneney, 1995, ***The French Revolution of 1789 and Its Impact***, Greenwood Publishing Group.
54. Simpson.J.A & E.S.C. Weiner, 1991, ***The Oxford English Dictionary***, Vol: V _ VII _ VIII, second Edition, Oxford, Clarendon Press
55. Skocpol ,Theda, 1979, ***States and Special Revolution*** ,Cambridge.
56. Spector ,Ivar , 1962, ***The First Russian Revolution: Its Impact on Asia***, Prentice _ Hall.
57. Tilly , charles , 2004, ***Social Movements***, 1768 _ 2004 , Paradigm Publishers.
58. Webster, 2008, ***websters new collegiate dictionary***, Third Edition, Houghton Mifflin Harcourt.
59. Weyland, Kurt, 2009, ***The Diffusion of Revolution: '1848' in Europe and Latin America***, International Organization, Vol. 63, No. 3, p. 391 _ 423.
60. Zizek, Slavoj, 2007, ***Robespierre's: Virtue and Terror***, New York: Verso.

سایت‌های مرجع

1. http://www.etymonline.com.
2. http://www.oxforddictionaries.com.
3. http://www.wiktionary.org.
4. http://www.loc.gov.
5. http://www.google.com/trends.